پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۵۴ - ۲۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۱۰

زمینه‌های ساختاری و عوامل کارگزاری شکل‌گیری نهاد بسیج مستضعفان

جبّار شجاعی[۱]
زاهد غفّاری هشجین[۲]
عبّاس کشاورز شکری[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷**

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب برای حفظ، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی و به علت عدم اعتماد به ساختارهای نظام پیشین، نهادهایی تأسیس کردند تا ضمن نفی ایدئولوژی‌های رقیب، به تبلیغ پایدار ایدئولوژی انقلاب اسلامی و در همین راستا به مبارزه با نیروهای ضد انقلاب داخلی و خارجی بپردازند. یکی از این نهادها، بسیج مستضعفان می‌باشد که پیرو فرمان ۵ آذر ۱۳۵۸ امام خمینی شکل گرفت. با عنایت به اینکه نهادها خروجی همراهی ساختار و کارگزار هستند، نهاد بسیج نیز مجمع همگرایی زمینه‌های ساختمندشده و عاملان اجتماعی است. از این رو، پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو این است که زمینه‌های ساختاری و عوامل کارگزاری مؤثّر در شکل‌گیری نهاد بسیج کدامند؟. نگارندگان با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی و روش تحلیل اسنادی به این نتیجه نائل شدند که بسیج ایران در نتیجه هم‌نهادی زمینه‌های امنیتی-سیاسی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصاد وکنشگرانی چون سپاه، خرده‌گروه‌های انقلابی و شخصیت‌هایی مثل امام خمینی، جواد منصوری، امیر مجد و اقدامات غیرمستقیم دیگر رهبران و نهادهای نوپای انقلاب شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، امام خمینی، بسیج، زمینه‌های ساختمندشده، کارگزار

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، تهران، ایران، دانشگاه شاهد. Shojaei67@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، تهران، ایران، دانشگاه شاهد. (نویسنده مسئول) z_ghafari@yahoo.com
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، تهران، ایران، دانشگاه شاهد. abbask83@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مقدّمه

دوران طولانی انقلاب اسلامی هم پتانسیل‌های نهفته مبانی معرفتی مسیر را برای نیروهای انقلابی روشنتر ساخت و هم با چالش‌های بسیار مسیر، ریزش‌ها و رویش‌هایی را تجربه کرد که همین موجب ظهور نیروهایی با ثبات فکری–عقیدتی بیشتر شد (محسنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۴). رهبران انقلاب هنگام پیروزی، وارث مشکلات و مصائبی شده بودند که ریشه در دوران حکومت پهلوی داشت. پس از پیروزی هم جریان‌هایی که روزی خود را در کاروان انقلاب اسلامی تعریف می‌کردند، بیش از گذشته ماهیت فکری و اهداف خود را نشان دادند تا تحرّکات آنان نیز بر شدائد پیشین افزوده شود.

شورای انقلاب با همکاری نیروهای انقلابی در همان روزهای آغازین پیروزی با این تحلیل که نمی‌توان به ساختارهای نظام پهلوی اعتماد کرد، دست به تأسیس نهادهایی زدند تا بتوانند از این طریق هم انقلاب را حفظ کنند و هم اهداف چندین ساله خود را محقّق سازند. از این رو، نهادهایی انقلابی یکی پس از دیگری شکل گرفتند. یکی از این نهادها که با هدف تأمین امنیت فکری و عملی انقلاب اسلامی بوجود آمد، نهاد بسیج بود. امام خمینی که اندیشه بسیج را از سال‌های قبل در ذهن داشت (خانی، ۱۳۹۲: ۳۱۲)، پس از بررسی شرایط حاکم بر جامعه و تحوّلات پیش‌گفته و همینطور مشورت با نیروهای انقلابی، در ۵ آذرماه ۱۳۵۸ دستور به تأسیس نهاد بسیج دادند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۲۳۸) تا هم حافظ انقلاب از تحرّکات نظامی کشورهای بیگانه و هم ضمن مبارزه با ایدئولوژی‌های رقیب، مروّج ایدئولوژی انقلاب باشد.

از آن‌جایی که شکل‌گیری یک نهاد حاصل تعامل ساختار و کارگزار می‌باشد، نهاد بسیج در ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این خصوص که همگرایی و همراهی ساختار و کارگزار چگونه محقّق می‌شود، برخی بر اولویت ساختار در ساخت نهاد تأکید می‌کنند و دیگرانی هم کارگزار را ارجح می‌شمارند. امّا در کشاکش تئوریک دو دیدگاه کلان ساختارگرا و کارگزارگرا، برخی اندیشمندان از هم‌نهادی ساختار و کارگزار سخن گفتند که از جمله مهمترین و کاملترین این دیدگاه‌ها که با آموزه‌های دینی–مذهبی«به عنوان بنیان نهاد بسیج در ایران» هم سازگار است، نظریه ساخت‌یابی گیدنز می‌باشد. بنابراین پژوهش پیش‌رو در تلاش است تا در چارچوب نظریه ساخت‌یابی، پاسخ پرسش را خود مبنی بر اینکه «زمینه‌های

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ساختاری و عوامل کارگزای شکل‌گیری بسیج در ایران کدامند؟»، یافته و تحلیل کند.

الف. چارچوب مفهومی□نظری

۱. مفاهیم

۱،۱. بسیج

منظور از بسیج در این پژوهش، تشکّلی است تحت عنوان «بسیج مستضعفان» که در سال ۱۳۵۸ و به فرمان امام خمینی تشکیل و با تصویب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ رسمیّت قانونی یافت.

۱،۲. ساختار

طبق نظریه ساخت‌یابی به عنوان تئوری تحلیل این پژوهش، ساختار، ترکیبی از قواعد و منابع جاری در جامعه طی بازه زمانی–مکانی است (گیدنز، ۱۳۹۷: ۴۷).

۱،۳. کارگزار

در نگاه گیدنز، اگرچه اصل بر این است که کارگزاران، افراد باشند امّا گروه‌ها و جماعت‌ها هم در شرایطی قادر خواهند بود که کارگزار واقع شوند(گیدنز، ۱۳۹۷: ۵۴).

۱،۴. ساخت‌یابی

طبق نظریه ساخت‌یابی، عاملان اجتماعی در طول زمان و پهنای مکان، اقدامات و آئین‌هایی را که بازتولید شده‌اند، بارها انجام می‌دهند تا اینکه این الگو، به خصوصیّت بدیهی زندگی اجتماعی تبدیل شود(گیدنز، ۱۳۹۷: ۶۲).

۲. مبانی نظری

ساختار– کارگزار، رویکردی به نقش و اثرگذاری ساختار یا عاملان بر شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی می‌باشد که از منظرهای مختلفی بدان نگریسته شده است. سه دیدگاه کلان درخصوص اولویت ساختار یا کارگزار و تعامل آن‌دو وجود دارد که بر اساس محوریت ساختار یا کارگزار، هر کدام ساختارگرا یا عامل‌گرا می‌شوند. دسته سوّمی از نظریه‌پردازانی چون گیدنز، روی بسکار و جسوپ نیز وجود دارند که تلاش می‌کنند تا بین ساختار و کارگزار، نوعی همکاری و تعامل برقرار نموده و پدیده‌های اجتماعی را محصول مشترک و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

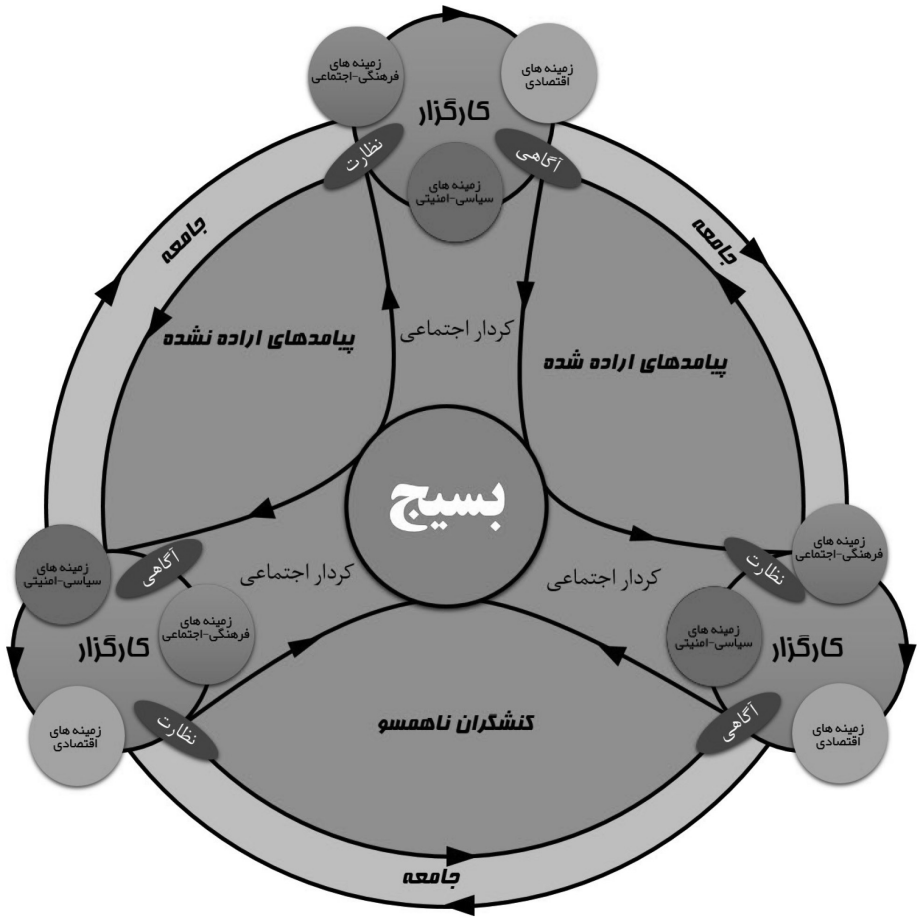
هم‌نهادی آن‌دو به شمار آورند (رنجبر و صیاد، ۱۳۹۲: ۸۴). که با توجه به سازگاری کلیت نگرش نظریه گیدنز با بن‌مایه‌هایی که نهاد بسیج بر آنها ابتنا یافته است، در این پژوهش نظریه «ساخت‌یابی» چارچوبی برای تحلیل شکل‌گیری بسیج در ایران خواهد بود.

گیدنز برای تبیین رویکرد خود، از «دوسویگی ساختاری» در مقابل «دوگانگی ساختاری» در نگاه ساختارگرایان و اراده‌گراها نام می‌برد (قلی‌پور،۱۳۸۴: ۳۱-۳۵). او می‌گوید که ساختارهای اجتماعی، زمینه را برای کنش کارگزاران (کنشگران) فراهم می‌آوردند و از سوی دیگر، خود ساختارها در نتیجه همان کنش، بازسازی می‌شوند. البته ناگفته نماند که ساختارها اگرچه محدودکننده کنش انسانی هستند، امّا چاره‌ساز هم می‌باشند. بنابراین، ساختارها می‌توانند از طریق ایجاد قواعدی که زمینه‌ساز کنش‌های جدید هستند، کنشگر را در انجام کنش خود، یاری کنند. بدین ترتیب، ساختار هم محصول کنش انسانی است و هم وسیله‌ای برای انجام کنش (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۴۹).

طبق نظریه ساخت‌یابی، هر کنشی ریشه در یک روند تاریخی دارد که با وقوع خود، فرآیندی نو را می‌سازد. البته ضروری است که کنشگر در هنگام انجام عمل خود، به شرایط اجتماعی هم توجه داشته و رفتار خود را متناسب با آن شرایط تنظیم کند (نصرالله‌زاده و سرایی، ۱۳۸۷: ۳۱). در این نگاه، ترکیبی از قواعد و منابعی که زمینه را برای کنش انسانی فراهم می‌آورد، ساختار نامیده می‌شود که خود این ساختارها هم از طریق کنش، ایجاد، حفظ و تغییر می‌کنند و اعمال هم از راه بسترهای ساختاری، معنادار می‌شوند. حاصل این هم‌کنشی و تعامل ساختارها (قواعد و منابع) و کنش افراد (رفتار اجتماعی)، کردار اجتماعی است که سازنده نهاد است. لذا از نظر گیدنز، انسان‌ها به عنوان موجوداتی مختار و با اراده، می‌توانند ساختاری را که محصول تعامل آنها با ساختارهای پیشین است، تغییر دهند و از سوی دیگر، در این ساختار، مسیرهای دلخواه خود را برگزینند (گیدنز، ۱۳۹۷: ۴۶-۵۷).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ب. مدل مفهومی پژوهش



مدل شماره یک
منبع: محققان

ج. زمینه‌های ساختاری شکل‌گیری بسیج

۱. زمینه‌های ساختاری سیاسی- امنیتی شکل‌گیری بسیج

تبعیض در سیاست‌های رژیم پهلوی اوّل و دوّم در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از یک‌سو و وابستگی و سرسپردگی خاندان و سران رژیم پهلوی به کشورهای بیگانه از سوی دیگر، موجب شد تا ارزش‌های ملّی و مذهبی مردم ایران در راستای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نگهداشت عزّت ایرانی–اسلامی و پاسداشت آرمان‌های میهنی، همسو شده و افکار عمومی به این نتیجه رسید که بیش از این، سکوت، مصلحت‌سنجی و تساهل پاسخ‌گو نخواهد بود و می‌بایست دست به قیام بزنند (صیاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳). از این رو، در روند ۱۵ ساله تحقّق انقلاب اسلامی به رهبری فقیهی شیعی، دو جریان کلان سکولار و اسلام‌گرا با هدف مشترک اسقاط نظام سیاسی مستقر، به مبارزه برخاستند (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۷: ۱۵۹). روند پهلوی‌ستیزی و عزّت‌طلبی که به امری عادی و با مقبولیت عمومی در جامعه مبدّل شده بود، روز به روز زوایای بیشتری از فساد نظام حاکم را روشن می‌کرد و در این راستا، پتانسیل‌های مقاومت و مبارزه خود را تقویت و خلأها را پوشش یا مدیریت می‌کرد. بنابراین، منظومه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدهای سیاسی–امنیتی طی نیم قرن، هندسه ذهنی مردم را به کنش‌گری برای تغییر در بستر مبارزه‌طلبی وادار می‌ساخت.

فرآیند کنشگری افکار عمومی طی ترتّب ذهنیتی تا اقدام عملی، سازمانی از قواعد رفتار اجتماعی در جامعه ایرانی ساخت که نه تنها بسترساز مبارزه مخالفان رژیم پهلوی بود بلکه خود بیدارگر آنانی شد که نسبت به ماهیت رژیم شاهنشاهی و نسبت آن با ارزش‌های وطنی و دینی، آگاه نبودند.

۱،۱. زمینه‌های سیاسی– امنیتی داخلی

همروی چارچوب‌های ظهوریافته در نتیجه اقدامات سران نظام شاهنشاهی و ذهنیت مردم ایران از دوگانه هست و باید کشور خود از یک‌سو و پیدایش مرامی از کنشگری انقلابی در مبارزه علیه حکمرانی نظام حاکم از سوی دیگر، نوعی از تقابل ذهنی و عینی را شکل داد که با غلبه گفتمان انقلابی، نظام معنایی افراد در حضور اجتماعی خود، سیری رو به تحوّل‌خواهی را طی نمود.

۱،۱،۱. منازعات تجزیه طلبانه مذهبی–قومیتی

۱،۱،۱،۱. منازعه خودمختاری‌خواهی کردستان

از جمله جریان‌های قومی که علی‌رغم تفاوت مذهب با روند اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، همراهی می‌کردند، کردها بودند که با تاکید بر اشتراک دینی با رهبران اصلی جنبش، حضوری فعال و مؤثّر داشتند. این منطقه که در دوران نظام شاهنشاهی نیز منزلگاه گروه‌های خودمختار بود، همزمان با سقوط نظام سابق و به ثمرنشینی انقلابی‌گری مردم و از سوی دیگر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

خلأ سیاسی–امنیتی روزها و ماه‌های اول انقلاب، شاهد از سرگیری فعالیت گروه‌هایی بوده است که تا پیش از این یا در خارج کشور فعالیت داشتند یا در بازه دو ماه بعد از انقلاب شکل گرفتند (جلایی‌پور، ۱۳۷۲: ۵۸–۵۹).

دو حزب کومله و دموکرات کردستان، دو روز بعد از انقلاب به پادگان مهاباد حمله و آن را محاصره و به غارت و خونریزی پرداختند. همزمان گروه‌های چپ‌گرای دیگر با تجدید سازمان و ازسرگیری فعالیت خود، خواسته‌هایشان را از انحلال ارتش تا حضور در شورای انقلاب، مطرح کردند. با بالاگرفتن نزاع بین دو جریان به رهبری مفتی‌زاده و صفدری، شهر سنندج متشنّج شده و همزمان با محاصره پادگان سنندج، ساختمان شهربانی و رادیو–تلویزیون این شهر نیز به اشغال درآمد. در نتیجه افزایش بحران، نیروهای مردمی و نظامی به مقاومت علیه شورشیان پرداختند (کیانی، ۱۳۸۶: ۷۸–۹۰).

همگرایی عوامل بومی با چپ‌های غیربومی و مرکزنشین، موجب تعمیق بحران شد. اما آنچه در این بین اهمیت داشت، تجربه نه چندان موفق حضور ارتش در مقابله با جریان‌های خلقی از یک‌سو و سوءاستفاده ضدانقلاب از آرمان‌های قومی مردم منطقه از سوی دیگر و همچنین حضور مؤثر مردم در رویارویی با شورشگران و روشنگری کردها، امام خمینی ره و رهبران انقلاب را نسبت به آثار نهادینه‌سازی حضور مردم در تثبیت ذهنی و عینی آموزه‌های انقلاب در جامعه و همین‌طور خطرات اتکای به نیروی نظامی در ایجاد امنیت داخلی آشناتر ساخت.

۱،۱،۱،۲. منازعه تجزیه‌طلبانه مذهبی سیستان و بلوچستان

بعد از پیروزی انقلاب، در منطقه سیستان سه گروه سرداران و خوانین، رهبران مذهبی و کمونیست‌ها هر کدام با آرمانی متفاوت، هدفی مشترک را دنبال می‌کردند که همان خودمختاری فرهنگی و افزایش سهم و جایگاه اهل سنت در قانون اساسی بود (باقری چوکامی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

در کنار سه کلان‌جریان یادشده، خرده‌جریان‌های متعددی نیز همسو با آنها از طریق آدم‌ربایی، عملیات ایذایی، سرقت و ایجاد اغتشاش در جلسات نیروهای انقلاب، امنیت منطقه را تهدید کردند. هرچند این تحرّکات سرانجام با حضور نیرهای مردمی و نظامی متوقف شد، امّا زمینه‌های بحران‌زا در منطقه و همچنین نفوذ کشورهای خارجی و از سوی دیگر طرفداران نظام شاهنشاهی به‌خصوص نیروهای ساواکی در آن، رهبران انقلاب را نسبت به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

پیامدهای گسترش و عمق‌یابی چنین نگرش و کنش‌هایی نگران ساخت (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۲۰۱). رفتار خشونت‌طلبانه آشوب‌گران بلوچستان و اقدامات فریب‌کارانه آنها برای همراه‌سازی مردم با خود، آنگاه که با روشنگری نیروهای انقلابی به خصوص آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نماینده امام خمینی در منطقه آشوب همراه شد، منطقی از مقاومت علیه ضدانقلاب و تبیین آرمان و آموزه‌های انقلاب اسلامی را در بین مردم بلوچستان همگانی ساخت که همسو با تقویت قدرت دولت مرکزی، از وقوع بحرانی نو در آنجا جلوگیری نمود.

۱،۱،۱،۳. منازعه تجزیه طلبانه قومیتی خوزستان

بخشی از عرب‌های خوزستان که در دوران پهلوی و با تحریک رژیم بعث عراق، ضمن تأکید بر قومیت عربی خواهان تجزیه این منطقه بودند، از نابسامانی اوضاع در اوایل انقلاب استفاده کرده و مطامع خود را مجدّداً مطرح نمودند. از این رو، مراکز و دفاتری را در شهرهای عرب‌نشین خوزستان برای پیشبرد هدف مذکور تأسیس کرده و ضمن جذب جوانان، امنیت برخی شهرهای خوزستان به ویژه خرمشهر را از طریق مقابله با ساختارهای وابسته به انقلاب و کشتار نیروهای مردمی و نظامی و تخریب اموال عمومی، از بین بردند. آنچه در روند شکل‌گیری و توسعه غائله خلق عرب مهم جلوه می‌کند، چگونگی پیوستن افراد به این گروه‌هاست. سطح نازل سواد و تحصیلات اندک آنها و از سوی دیگر، ناآگاهی عرب‌ها «که وارد منازعه نشده بودند» نسبت به اندیشه رهبران گروه‌ها و پیامدهای فعالیت‌های تخریبی و تعاملات خائنانه‌شان با بعث عراق، از مهمترین خصوصیات تعداد زیادی از مردم عرب منطقه بود (بیژنی و عزّتی، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۱). هرچند این غائله با اعزام نیروهای پاسدار به منطقه خاتمه یافت لکن نه تنها اندیشه تضاد عرب-عجم پایان نیافته بود که تحرّکات بعث عراق در خطوط مرزی و دنباله‌های سازمان خلق عرب در بین عرب‌های خوزستان و از سوی دیگر محدودیت نیروهای نظامی و دولتی در مقابله با آنها، موجب ورود جوانان انقلابی و تشکل‌های غیردولتی برای جلوگیری از شروع و افزایش اقدامات تخریبی از سوی بازماندگان خلق عرب و نفوذی‌های صدّام شد (باقری چوکامی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۶).

۱،۱،۱،۴. درگیری‌های واگرایانه قومیتی در آذربایجان

حزب خلق مسلمان به رهبری شریعتمداری در روزهای اول پیروزی انقلاب، از روحیه انقلابی مردم تبریز سوءاستفاده کرده و با فعالیت‌های تبلیغی، نه تنها بسیاری از مردم این شهر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

را جذب کرد که به مرور به مخالفت علنی با سیاست‌های کلی نظام پرداخت. مخالفت آنها با شیوه رفراندوم، تشکیل مجلس خبرگان و نقش شورای نگهبان منجر به این شد که در بیانیه ۷ آبان ۱۳۵۸، بر رأی مشروط خود به قانون اساسی تأکید داشته و اظهار نمودند که تا تضاد میان اصول ۶ و ۵۶ با اصل ۱۱۰ «که همان نظارت شورای نگهبان بر مصوّبات مجلس بود» حل نشود، حاضر به شرکت در همه‌پرسی نخواهند شد و نه تنها مردم را نیز وادار به همین اقدام می‌کردند که به دنبال تحریم انتخابات، گام در فاز نبرد نظامی با نظام نهادند (حسنوف، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۶۳).

درگیری خلق مسلمان تبریز با نیروهای نظام که از قم و در منزل شریعتمداری شروع شد، با افشای اسناد ارتباط برخی از سران این حزب و به طور مشخص شریعتمداری با سفارت آمریکا توسط دانشجویان مستقر در سفارت این کشور، سراسر تبریز را فراگرفت و روز به روز ناامنی گسترده‌تر می‌شد تا اینکه امام خمینی با انتقاد صریح از شریعتمداری، مردم آذربایجان را از پشت‌پرده اقدامات تخریبی آنها آگاه کرده و از آنان خواست که تحت تأثیر دیدگاه‌های سران حزب قرار نگیرند. افزون بر انتقاد امام، علما و مردم هم از شریعتمداری خواستند که حزب را منحل سازد امّا با واکنش منفی شریعتمداری نسبت به امام و علما و مردم روبرو شد. سرانجام مردم آذربایجان در آذرماه ۱۳۵۸ با راهپیمایی سراسری، اقدامات حزب خلق مسلمان را محکوم و توده‌های همسو با آن را نسبت به زوایای مخفی دیدگاه آنان، آگاه ساختند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۳۱).

اگرچه درگیری‌های تبریز پس از راهپیمایی مردم ادامه داشت، امّا بن‌مایه‌های ارزشی-انقلابی مردم منطقه نسبت به اهداف انقلاب و سرمنشأ جریان‌های ناهمسو با روند پیشرونده آن، تقویت شد. آگاهی مردم منجر به این شد که هم کنشگری ضد انقلاب به ویژه کمونیست‌های همسو با خلق مسلمان تبریز محدود شود و هم نظارت بر فعالیت مجامع وابسته به نظام، مردم‌نهاد شود. به همین دلیل می‌توان اینگونه تفسیر کرد که تقابل جریان انقلابی با خلق مسلمان تبریز اگرچه برای سرکوب خشونت‌طلبان بود امّا نتایجی همچون جذب بیش از پیش مردم به انقلاب و اعتماد آنها به نهادهای وابسته به نظام نوپا-که بدواً قصد و نیت انقلابیون نبود- شرایطی را برای کنش بعدی نیروهای انقلابی در مبارزه با انحراف و گسترش آموزه‌های انقلابی فراهم آورد. از سوی دیگر، محدوده عمل جریان مخالف را تنگ‌تر ساخت.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱،۱،۲. منازعات و درگیری‌های بینشی و ایدئولوژیکی

۱،۱،۲،۱. انحراف در انقلابی‌گری (فرقان)

دین‌ستیزی نظام پهلوی نه تنها بستر را برای ظهور و فعالیّت جریان‌های سکولار در جامعه ایرانی فراهم آورد بلکه به علّت حاشیه‌رانی دین و روحانیت به عنوان مدافع دین و مذهب، گروه‌ها و فرق متعدّدی پیدا شدند که یا قرائتی منحرفانه از دین داشتند یا دین را ابزاری برای نیل به مطامع سیاسی قرار داده بودند. یکی از گروه‌های سنخ اوّل، گروهی به نام فرقان است که دست به ترور شخصیت‌های طراز اوّل انقلاب و ایجاد رعب و وحشت در مردم نسبت به همگرایی و دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی کرده بود (کردی، ۱۳۸۷: ۲۹).

تفکر «قربانی شدن ارزش‌های راستین تشیع سرخ علوی» و «تلاش برای آزادسازی علی از اسارت آخوندیسم» و همینطور تشکیل نظامی توحیدی مبتنی بر آموزه‌های قرآن، با مسلح‌سازی خود، دست به ترور تمامی افرادی زد که ایدئولوژی مبهم و پراز تناقض فرقان را نپذیرفتند. از این رو، این گروه چنین بیانیه می‌دهد که: «ما به این نتیجه رسیدیم که در اسلام هیچ انضمام و انسجامی بین اسلام و روحانیت وجود ندارد و اصولاً وجود روحانیت را مغایر با همه موازین توحیدی و مفاهیم قرآنی می‌دانیم» (جسیم، ۱۳۹۷، ج ۲: ۵۳۱).

بر این مبنا، گروه فرقان همیشه هر گونه اقدام از سوی روحانیت برای نیل به قدرت را استثمار توده و حرکتی در راستای استبداد تفسیر می‌کرد و نه تنها اندیشه اسلام منهای روحانیت را در جامعه تبلیغ می‌نمود که به ترور نیروهای انقلابی همچون سرلشکر قرنی و شهید مطهری نیز اقدام ورزید. سهولت در تبلیغ افکار انحرافی و بساطت فکری مردم در اوایل انقلاب، زمینه را برای گسترش چنین تفکری فراهم آورد که سرانجام با ورود نیروهای انقلابی از طریق روشنگری و مبارزه مسلّحانه، گروه مذکور منحل شد. تجربه تحرکات خشونت‌طلبانه این گروه، همسو با دیگر رویدادها در ماه‌های اوّل، ضرورت حضور همگانی مردم در عرصه روشنگری، نظارت و مشارکت سیاسی – امنیتی را بیش از گذشته روشن ساخت.

۱،۱،۲،۲. حذف فیزیکی نیروهای انقلابی

شور و شوق حاکم بر دوران چندماهه پیش از انقلاب و روزهای پیروزی، منجر به این شد که خیل عظیمی از جوانان، زنان، دانشجویان و دانش‌آموزان به سازمان منافقین پیوسته یا حامی آن شدند. سران سازمان هم با منشی ماکیاولیستی، از پوشش مذهب برای فریب و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جذب روشنفکران، کارگران و توده مردم کمال استفاده را بردند. سازمان با تربیت نیروهای تشکیلاتی، تا عمق شهرهای کوچک هم نفوذ کرد. از این راه، ضمن طرح رادیکال مطالبات مردم محروم و ایجاد انتظارات غیرواقعی و خارج از پتانسیل نظام، می‌کوشید تا نظام سیاسی جدید را ناکارآمد نشان دهد. در واقع آنها دنبال ایجاد دوقطبی جمهوری اسلامی–مجاهدین بودند تا بدین وسیله خودشان را نمایندگان واقعی خواسته‌های برحق مردم تعریف نمایند (قاسمیان و سالاروند، ۱۳۹۶: ۱۱–۲۳).

این سازمان همسو با نفوذ به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و انقلابی، تلاش می‌کرد تا دو اسلام توحیدی به نمایندگی مجاهدین و اسلام ارتجاعی به نمایندگی جمهوری اسلامی را در جامعه ترسیم و با موجّه جلوه دادن خود، به جذب بیش از پیش جوانان اقدام کند. نفوذی‌های سازمان در دستگاه‌های دولتی و به طور خاص دادگاه‌های انقلاب، خشونت را به جامعه تزریق می‌کردند تا اینکه با ورود شورای انقلاب، تصفیه دادگاه‌های انقلاب از نفوذ افراد سازمان از اسفند ۵۷ تا خرداد ۵۸ صورت گرفت. دستگیری یکی از نیروهای اصلی سازمان به نام سعادتی به جرم ارتباط با سفارت شوروی و ارتباط با ک.گ.ب، سازمان را وارد مرحله مقابله نظامی با جمهوری اسلامی از طریق برگزاری میتینگ‌های مختلف در مناسبت‌های متعدّد کرد (باقری، ۱۳۹۶: ۲۳۵–۲۴۱).

بر این اساس می‌توان گفت انقلابی‌گری و روحیه مقاومت و مبارزه علیه استکبار و استبداد به عنوان جریان ۱۵ ساله روند انقلاب اسلامی، مجرایی شد تا منافقین از خلأ سازمان‌مندی مبارزه‌طلبی و مبارزه‌طلبان بهره برده و با افزایش آگاهی استدلالی نیروهای خود، فضایی رقابتی با رهبران و نخبگان جمهوری اسلامی شکل دهد. مجادله دو گفتمان، ساختی نوین از همروی عاملان انقلابی و انحرافی با زمینه‌های خشونت‌طلبی و تغییرطلبی را خلق کرد که سرانجام جریان انقلاب اسلامی توانست از پتانسیل نفوذ تاریخمند خود در بین توده‌های مردم و تبیین افکار و ایده‌های رقیب و همچنین ظرفیت مراکز دینی – مذهبی همچون مساجد و بقاع متبرکه به رهبری روحانیت به عنوان منابع در دسترس این جریان، الگوی حضور اجتماعی را تغییر داده و معادله‌ای نو بیافریند. از سوی دیگر، مردم که به دو دسته موافق و مخالف منافقین تبدیل شده بودند، با بازبینی آراء این گروه و فعالیت‌های تخریبی آنها در بخش‌های مختلف کشور، ذهنیت خود نسبت به مجاهدین و جمهوری اسلامی را تعدیل و با

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جریان انقلاب همسو شده یا به دفاع از آرمان انقلاب اسلامی پرداختند.

۱،۱،۲،۳. امنیت‌زدایی کور از کشور (اقدامات خشونت‌طلبانه فدائیان خلق)

تضاد چریک‌های نوپدید پس از پیروزی انقلاب، رفته رفته با نظام نوین، ظهور یافت و سرانجام خود را در حادثه گنبد و ترکمن‌صحرا نشان داد. با رشد و همه‌گیر شدن اندیشه خلقی بین ترکمن‌ها در نتیجه تبلیغات خلقی‌های ساری، نزاع خونینی بین نیروهای انقلاب و چریک‌ها درگرفت به گونه‌ای که مراکز نظامی و دفاعی گنبد یکی پس از دیگری خلع سلاح شده و نیروهای آنان در روستاها مسلّح به ابزارهای پیشرفته نظامی شدند. همچنان که درگیری بین نیروهای انقلابی و چریک‌های فدایی خلق به کوچه و خیابان شهر کشید، رعب و وحشت همگانی شد و با تجاوز به حریم مردم، هیئت اعزامی دولت وارد منطقه شده و با صدور بیانیه‌ای مبنی بر اقدام قاطع خود در صورت استمرار مزاحمت‌ها، نیروهای مردمی از دیگر شهرها، وارد گنبد شدند (نادری، ۱۳۸۷: ۶۴۲-۶۶۳).

چریک‌های فدایی خلق تحلیلی راهبردی در رابطه با دولت بازرگان داشتند و آن این بود که دولت بازرگان از اساس امپریالیستی و وابسته است نه محصول قیام توده‌ها لذا نه تنها با اشغال سفارت مخالف بودند که آن را یک توطئه از پیش برنامه‌ریزی شده و فریبی برای پوشش تضادهای درونی نظام صورت گرفته است (ماسالی، بی‌جا، ۱۴۳). هرچند این گروه بعد از حادثه گنبد فعالیت‌هایی را در دیگر مناطق کشور داشت و دست به فعالیت‌هایی تبلیغی می‌زد امّا با روشن شدن شالوده‌های فکری آنها و آگاهی مردم و حامیانشان از سوی دیگر، رویّه مبارزه مردمی برای حفظ و توسعه انقلاب اسلامی، تجربه‌ای دیگر پیدا کرد. بدین ترتیب هرچند زمینه تحوّل‌طلبی مردم بسترساز حضور این گروه شد لیکن پهنای دیالکتیک کنترل در نظام اجتماعی نوین را گستره‌ای دوچندان بخشید تا پتانسیل نظارتی مردم نه تنها بر فعالیت نیروهای انقلابی افزون شود که خود مردم نیز اقداماتشان را آفرینشی جدید بخشند. فراز و فرود پیدایش تا انحلال این جریان، نشانگر ارتقای دانش مردم در بهره‌گیری از چارچوب‌های موجود برای کنشگری خود جهت نیل به اهداف مطلوبشان و همینطور افزایش آگاهی مراکز و افراد انقلاب اسلامی نسبت به خلأها و شکاف‌هایی که موجب خلق جریان و افراد مبارزه‌طلب با جریان رو به رشد انقلاب خواهد شد، گشت تا از این پس با درکی جامع نسبت به محیط پیرامونی خود و سه گانه گذشته – حال – آینده جنبش اسلامی، رفتاری مؤثرتر داشته باشند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱،۱،۲،۴. نفوذ و جاسوسی

همزمان با گشایش امنیتی اول انقلاب و با ورود کیانوری به ایران، حزب توده به پشتیبانی از شوروی، اتحاد با نیروهای انقلابی را معبری مفید برای نفوذ در انقلاب و جذب نیروی انسانی بیشتر برآورد کرده و تلاش کرد تا به بزرگ‌نمایی قدرت خود اقدام ورزد لذا با انتشار اعلامیه‌هایی با امضای تعدادی از نیروهای ارتشی، مساوات و آزادی را خواهان شد. افزون بر این، حزب توده در اعترافات دبیر اوّل کمیته مرکزی، جاسوسی برای سرویس‌های امنیتی شوروی، سرقت سلاح‌های ارتش و فروپاشیدن مجموعه‌های سیاسی – نظامی از درون با نفوذ به آنها را تأیید کرد. این حزب که فعالیت‌های خود را به صورت مخفیانه پی می‌گرفت، توانست در کنار بیش از صد نیروی نظامی ارتش، ده هزار نیرو از بین مردم عادی و دانشگاهی جذب کند. لذا فعالیت گسترده‌ای در سطح شهرهای کشور داشت (حسینیان، ۱۳۸۷: ۵۰۸).

هرچند حضور مؤثر ایدئولوژی اسلامی به عنوان منطق کنش نیروهای انقلابی و چارچوب حضور اجتماعی مردم در ماه‌های اوّل انقلاب جلوی پیشرفت جریان‌هایی از این قبیل را گرفته بود ولی آمادگی ذهنی و عینی جامعه برای پذیرش تئوری‌های جایگزین رژیم پهلوی از یک‌سو و آزادی بی حدّ و حصر جریان‌های ناهمسو با خطّ اصیل انقلاب اسلامی و عدم تصفیه نهادهای نوین از افراد نفوذی، راه را برای کنشگری تشکل‌هایی چون حزب توده فراهم آورد. با آشکار شدن نفوذ توده‌ای‌ها در دستگاه‌های لشکری و کشوری، ریل‌گاهی نوین برای فعالیت نیروهایی انقلاب در مبارزه با جریان‌های موازی با انقلاب ایجاد شد تا زین پس مقابله با خط نفوذ هم جزو برنامه‌های انقلابیون قرار گیرد.

۱،۱،۳. ناهم‌طرازی واقعیت و آرمان انقلاب اسلامی

طی سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار و استبداد و تلاش برای توسعه همه‌جانبه، توقع مردم را به گونه‌ای ترسیم نمود که انتظار اقداماتی انقلابی، پویا و اثرگذار را داشتند. در حالی که حاکمیت گفتمان لیبرال بر دولت وقت و سلطه پذیرش ساختارهای نظام سیاسی پیشین، مردم انقلابی را با ابهام‌ها و پرسش‌هایی چند روبرو ساخته بود.

۱،۱،۳،۱. ضرورت کارآمدسازی نهادهای انقلابی

همزمان با اوج‌گیری روند انقلاب و سرنگونی نظام شاهنشاهی، امام خمینی و فعالان

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نهضت کوشیدند تا با تأسیس نهادهایی چند، هم نیروهای طرفدار انقلاب را سازماندهی کنند و هم مشکلات روزافزون مردم را حل نمایند. همچنین از این طریق زمینه را برای خلق ساختار سیاسی نوین فراهم آورند. از این رو، در کنار شورای انقلاب و دولت موقّت، کمیته‌های مختلفی مثل کمیته تنظیم اعتصابات، گمرک، سوخت و راهپیمایی‌ها و ... تشکیل شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۶۳) لکن رفته رفته و با پیچیده‌تر شدن مشکلات امنیتی□سیاسی و فرهنگی انقلاب، هم به همراهی کامل فعالان آنان بدبین شدند و هم موانع چابکی‌شان روشن شد (خلیلی، ۱۳۸۲: ۹۹–۱۱۷). از این رو، نهادهای انقلابی که در نتیجه عدم اعتماد به ساختارهای سابق شکل گرفت، هم خلأهای اداره کشور را روشن ساخت و هم با رویش و ریزش‌هایی در بین نیروهای فعّال در آن نهادها یا جریان‌های مقابل آنها، تفکّر ابتنای امنیت عمومی بر نهاد (های) برآمده از بطن جامعه را بین رهبران انقلاب زنده ساخت.

۱،۱،۳،۲. اندیشه جهان‌وطنی انقلاب اسلامی

منطق جهان‌وطنی به عنوان منظومه ذهنی نیروهای انقلاب و مردم حامی انقلاب اسلامی، در روند تاریخی ظهور و بروز خود، وامدار تأکیدات امام خمینی می‌باشد. در همین راستا، ایشان برپایی حکومتی اسلامی در ایران را سرآغاز و مقدّمه‌ای برای حکومت جهانی امام زمان «علیه‌السلام» دانسته و تأکید داشت که: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت می‌باشد. انقلاب ما نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد ... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بکند، ولی این به آن معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب، که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند» (امام خمینی،۱۳۷۸، ج ۲۱، ۱۰۸ ــ ۱۰۷).

این تفکر در دوره شروع حکمرانی خود، با چالش‌های متعددی همچون رویارویی نهادها و افرادی در داخل و خارج نظام جدید روبرو شد که اساساً نه فقط اندیشه مذکور را باور نداشتند بلکه بر تشکیل حکومت ملّی اصرار ورزیده و ناسیونالیسم را سنگ‌بنای فعالیت خود قرار دادند. در کنار این رویکرد، نیروهای انقلابی حامی تفکر جهان‌وطنی، روز به روز ضرورت تبیین چیستی انقلاب و هدف آن را بیشتر درک می‌کردند.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱،۱،۳،۳. فقدان تشکیلات امنیتی منسجم و مردم‌نهاد

گسترش اقدامات ضدامنیتی در روزهای آغازین انقلاب اسلامی و صف‌کشی ضدانقلاب برای مبارزه با آن و در نهایت نابودی نظام نوپا، مقابله با این روند را ضروری می‌ساخت. هرچند در کنار نهادهای جدیدی چون کمیته‌ها و بعدها سپاه، عموم مردم هم به مبارزه می‌پرداختند، امّا چون در این نهادها هیچ گزینش و نظارتی بر اعضا وجود نداشت، افراد بسیاری برای سوءاستفاده از این موقعیت وارد این نهادها شدند و در نظم عمومی خلل ایجاد کردند. طوریکه کمیته اسلامی در بیانیه ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بیان می‌دارد که:«مطبوعات باید از پاسداران و کمیته‌ها انتقادات سازنده بکنند، کارت‌های پاسداران کامپیوتری و در سراسر تهران متحدالشکل خواهد شد و فقط به کسانی که صلاح دارند، کارت داده می‌شود» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۲).

ترور نیروهای انقلاب و نفوذ به درون نهادهای انقلابی از یک‌سو و بحران‌زایی روزافزون ضدانقلاب از سوی دیگر، چالشی بزرگ بر سر راه انقلاب اسلامی بود. علاوه بر این، شکننده بودن امنیت بدون حضور مردم در ایجاد و حفظ آن، ناکافی بودن نهادهای موجود برای امنیت حداکثری را روشن می‌ساخت.

۱،۲. زمینه‌های خارجی شکل گیری بسیج

اقدامات سیاسی نیروهای انقلابی طی روزهای قبل و بعد از پیروزی، قاعده‌ای از تعامل با کشورهای خارجی را شکل داد که افراد وابسته به نظام و همینطور جریان‌های داخلی، متناسب با برداشت خود از دو مقوله «استقلال» و «پیشرفت»، مسیری را اتخاذ کردند. خط اصلی جریان انقلاب به رهبری امام و شورای انقلاب، مبارزه با سلطه‌گیری و استعمار و همگرایی با جریان‌ها و کشورهای همسو بود. از این رو و به دنبال تحوّلات داخلی روزهای پس از انقلاب، مجموعه‌ای از تهدیدات خارجی در مقابل نیروهای انقلابی صف کشید. بنابراین با تغییر روابط، نقش‌ها و بالتبع کنش‌ها هم نمود نوینی یافتند.

۱،۲،۱. تهدید-فشار مجامع بین‌المللی

اوّلین چالش و تهدید امنیتی در عرصه بین‌المللی برای انقلاب اسلامی، از سوی آمریکا بود چرا که پیروزی انقلاب نه تنها به روابط راهبردی این کشور با ایران ضربه‌ای مهلک وارد ساخت که حضور و پیشبرد منافع منطقه‌ای آمریکا را نیز با خطر روبرو کرد. آمریکا در ابتدا

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

تلاش داشت تا جریان‌های همسو با خود را جذب کند از این رو، دفتر سیا در سفارت آمریکا اینگونه بیانیه داد که:«اکنون ما تلاش می‌کنیم که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از چهره‌های میانه‌رو، سکولارها، ملی‌گرایان و سران ارتش متمایل به غرب را شناسایی و با آنها مذاکره نماییم و ما باید آماده حمایت از تحرکات آنها شویم» (فوزی، ۱۳۸۷: ۱۸۵). در همین‌راستا، آمریکا از هیچ تلاشی برای تضعیف حاکمیت افراد انقلابی بر نظام جدید نکرد.

در کنار تفاوت دیدگاه کشورهای اروپایی با انقلاب اسلامی در مسائل جهانی و منطقه‌ای، همراهی بسیاری از اروپایی‌ها با آمریکا در ماجرای اشغال سفارت، نه تنها سطح مناسبات دو طرف را کاهش داد که دارایی‌های ایران در برخی کشورهای اروپایی چون انگلیس و فرانسه توقیف شد. شوروی هم می‌کوشید تا از طریق نیروهای خود به ویژه حزب توده، جریان انقلاب را در مسیر تحقّق خواسته‌های خود به پیش ببرد. که نمونه جدی آن را می‌توان در تلاش روسها برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از اشغال سفارت آمریکا شاهد بود.

بنابراین انقلاب اسلامی در سال اوّل حیات خود با تهدیدی همه‌جانبه از سوی کشورهای غربی و مجامع بین‌المللی روبرو بود. فضای حاکم بر جامعه آن روز کشور بیانگر محاصره همه‌گیر انقلاب توسط مخالفان خارجی و معارضین داخلی بود لذا هر روز الگوی مبارزه و مقاومت مردمی علیه این دو با الهام‌بخشی از آموزه‌های تاریخی نهفته در تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب، ثبات بیشتری پیدا می‌کرد.

۱،۲،۲. فشار و تهدید سخت قدرت‌های بزرگ

به دنبال اشغال سفارت آمریکا، این کشور بعد از قطع ارتباط خود با ایران، به دنبال این بیانیه از سوی کاخ سفید که: «آبرو و حیثیت ملی ما به خطر افتاده و سادات گفته است که اعتبار و موقعیت بین‌المللی آمریکا به علت سستی در این کار لطمه شدیدی خورده است»(ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۹۳) ضمن تظاهر به پیگیری دیپلماتیک، تصمیم به ازسرگیری عملیات نظامی گرفتند. در همین شرایط، اختلاف بین اعضای دولت موقت و دانشجویان بالا گرفت. فراز و فرود اشغال سفارت تا رهاسازی گروگان‌ها، نشان از آن داشت که دیپلمات‌ها در مقابل روحیه امام و دانشجویان، رویکردی محافظه‌کارانه و گاهاً خائنانه نسبت به ارتباط کشور با غرب و به طور خاص آمریکا انقلابی دارند. در واقع در این ماجرا، شاهد رویارویی دو نوع ساختار اجتماعی در پیشبرد نظام هستیم. یکی همروی کنشگران انقلابی با قواعد هنجاری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

حاکم بر نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی و دیگری تعامل افراد و نخبگان وابسته به جریان فکری ملی- مذهبی بود.

سرانجام به خاطر حاکمیت فضای انقلابی بر جامعه و قدرت کاریزماتیک امام خمینی پس از حمایت خود از دانشجویان و از سوی دیگر پیشینه تاریخی پرمسئله جریان لیبرال محافظه‌کار، آگاهی نیروهای انقلابی، مردم و حامیان متزلزل جریان ملی - مذهبی در کشاکش تقابل با آمریکا نسبت به گستره قدرت و منابع در دسترس انقلاب برای حفظ استقلال کامل خود، ارتقا یافت و ساختار حاصل از همگرایی انقلابیون با یکدیگر و واگرایی آنها با گروه رقیب طی روزهای طولانی اشغال، الگویی از روابط اجتماعی را آفرید که ضمن برهم‌زدن قواعد انقلابی‌گری مبتنی بر تفکر ملی - مذهبی، نسخه‌ای نوین از این قواعد تجویز کرد. لیکن با این وجود، خطر جریان فوق‌الذکر و تفکر سازشکاری که در بین جوانان ریشه دوانده بود از یک‌سو و نبود انسجام و آمادگی جامع در بخش‌های مختلف برای مقابله تمام‌عیار با آمریکا، لزوم بسیج همگانی در دو بُعد ذهنی و عینی را بدیهی ساخته بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲. زمینه‌های ساختاری فرهنگی -اجتماعی شکل‌گیری بسیج

از جمله دیگر زمینه‌هایی که ذهنیت مردم را به این سمت و سو سوق داد تا ضرورت تشکیل نهاد بسیج مستضعفان را بیش از پیش احساس کنند، بسترهایی اجتماعی و همینطور فرهنگی بود که ریشه در تصوّر نیروهای انقلابی و مردم از نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی داشت.

۲,۱. لزوم بازسازی توان مدیریتی کشور

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اوّلین چالش رهبران انقلاب، موضوع مدیریت تحوّلات و عملی‌سازی فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بود (براتعلی‌پور، ۱۳۹۵: ۵۰). علت هم به فقدان تجربه حکمرانی در بین نیروهای انقلاب برمی‌گشت. در همین راستا و در شرایطی که دولت موقت بعد از تسخیر سفارت حاضر به ادامه مسئولیت نشد و نیروهای انقلابی نیز یکی پس از دیگری ترور می‌شد و نهادهای نوین هم با چالش‌های بسیاری در دو بُعد فکری و امنیتی روبرو بودند، نه تنها سران انقلاب که نخبگان جامعه هم نسبت به ادامه روند انقلاب با چنین وضعیتی، ابزار نگرانی کردند. بدین ترتیب، افراد مؤثّر در نظام به این آگاهی رسیدند که می‌بایست به فکر بازسازی رویکرد گزینش مسئولان بود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۲،۲. تقویت سیستم یکپارچگی نظام

کمبود نیروی فعال برای نقش‌آفرینی در زمینه‌های مختلف به ویژه مسئولیت‌پذیری از یک‌سو و از سوی دیگر، افزایش وسعت اقدامات تبلیغاتی کشورهایی چون شوروی و آمریکا از طریق نیروهای خود در داخل برای ایجاد خلل در ذهنیت و بالتبع مشارکت مردم و همچنین تلاش ایدئولوژی‌های رقیب برای جذب نیرو، مردم انقلابی را بر آن داشت تا خود دست به تشکیل مجموعه‌هایی خودجوش برای اقدام تبلیغی یا تقابلی علیه رقبا و بسط اندیشه انقلاب بزنند (هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۷). فعالیت نظامیان انقلابی، گروه و سازمان‌های اسلامی که پیش از انقلاب فعالیت‌های نظامی و فرهنگی علیه رژیم پهلوی داشتند، به علت پراکنده‌کاری نه فقط نتوانست اثرگذاری چشمگیری داشته باشد که پتانسیل نیروهای انقلاب نیز چندان به کار گرفته نمی‌شد. بنابراین نیروهای انقلاب در کشاکش ذهنی یافتن راهی برای برون‌رفت از این چالش و کارآمدسازی فعالیت‌های مذکور بودند.

۲،۳. ارتقای سطح آگاهی دینی- انقلابی

با پیروزی انقلاب، اندیشه‌های سوسیالیستی، ناسیونالیستی و تجددگرایانه به نشر تفکرات خود در جامعه پرداختند و در مقابل یا این اندیشه‌ها به صورت منفعلانه نفی می‌شد یا هم در مواردی مورد پذیرش قرار می‌گرفت. به همین دلیل شبهات بنیادینی در رابطه با ماهیت انقلاب انتشار یافت. از این رو برای همه‌گانی شدن آشنایی با آموزه‌های دینی و تبلیغ ارزشهای انقلاب اسلامی، طبیعی بود که می‌بایست در سطحی فراتر از احزاب و گروه‌ها فعالیت می‌شد. محمدعلی رحمانی در همین خصوص متذکر می‌شود که: «حضرت امام سیاست عمومی‌اش مبتنی بر جنگ مسلحانه نبود، تکیه‌اش بر سازمان‌ها و گروه‌ها نبود، با اینکه بسیاری از سازمان‌های داخلی، حتّی گروه‌های مبارز سیاسی و حتی نظامی در کشور به عنوان مبارز با رژیم طاغوت شکل گرفت» (رمضانیان و نجفی، ۱۳۸۹: ۲۰).

۲،۴. نظارت روشمند بر سازندگی کشور

حضور نیروهای مختلف «که در دوران رژیم شاهنشاهی فعالیت حزبی و تشکیلاتی داشتند» در مجموعه کلان انقلاب اسلامی و بعدها مناصب سیاسی، هرچند خلأهای کشورداری را برای انقلابیون روشن کردند ولی چون با خواسته‌های مردمی که قیام کرده بودند، زاویه داشتند، توسط روند انقلابی‌گری حاکم بر جامعه طرد شدند تا نیروهای انقلابی از خلأ حذف

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

آنها برای به کارگیری جوانان انقلابی در مناصب کشورداری بهره گیرند. از این رو، شاهدیم که شورای انقلاب پس از استعفای دولت موقت و برعهده گرفتن مسئولیت اجرایی کشور، یکی از مهم‌ترین اقدامات خود در این برهه را «استفاده هرچه بیشتر از عناصر مؤمن به انقلاب و مخصوصاً نیروهای عظیم نسل جوان» (اطلاعات، ۱۳۹۸/۸/۱۶) عنوان می‌کند.

۳. زمینه‌های ساختاری اقتصادی شکل‌گیری نهاد بسیج

۳,۱. خلأ نیازهای امنیت‌زدا

انقلاب اسلامی که در دوران انباشت مشکلات اقتصادی پهلوی همچون خروج سرمایه‌داران از کشور و افزایش تورّم و گرانی و در نتیجه اعتراض کارگران به پیروزی رسید، بیش از پیش با مشکلات اقتصادی رویاروی شد. چرا که برخی دیگر از سرمایه‌دارن اینبار نه به خاطر فشار نظام سیاسی بلکه به دلیل وابستگی به نهاد پهلوی یا عدم پذیرش انقلاب، از کشور خارج شدند. افزون بر این، بعد از انقلاب، گروه‌های سیاسی مختلف بر سر مواردی چون شیوه توزیع درآمد، اصلاحات ارضی، نقش دولت در اقتصاد، بازرگانی خارجی و ... به اختلاف مبنایی خوردند و همین بر رکود بیش از پیش اقتصادی افزود. همچنین به علت نبود نظارت کافی، انبارهای کالایی و غذایی به غارت رفت و در نتیجه بیکاری مضاعف شد (حاتمی، مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۵: ۸۸).

دولت و شورای انقلاب تلاش کردند تا با ابداعات انقلابی به حل معضلات پیش‌آمده اقدام ورزند امّا به علت گستردگی مشکلات، نه تنها توان نظارت و کنترل بر روند توزیع نداشتند که قدرت حمایت همه‌جانبه از مردم نیز از توان آنان خارج بود.

۳,۲. کاربست اندیشه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی

به خاطر میلیونی شدن فقر و بیکاری و توزیع نامتعادل درآمدها، مردم پس از انقلاب افزون بر مطالبات فرهنگی خود، خواهان برپایی عدالت اجتماعی شدند. بنابراین ذهنیت شکل‌گرفته بین مردم و مسئولین، همه‌گیر شدن فقر و نداری و در نتیجه ضرورت یافتن راه‌حل برای خروج از این بحران بود (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۱۹-۳۲۰). انقلاب که شعار خود را محرومیت‌زدایی و حضور همگانی مردم در بخش‌های مختلف حکومت‌داری قرار داده بود، هم ذهنیت یادشده را عمق بخشید و هم به تدریج شالوده‌های مشارکت مردم در روند محرومیت‌زدایی را فراهم

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

می‌آورد که نخستین تغییر مسیر در خدمت‌رسانی را با تأسیس نهادهایی نوین ایجاد کرد.

د. عوامل کارگزاری شکل‌گیری بسیج

اگرچه در نگاه گیدنز اصل بر این است که کارگزاران افراد باشند امّا در مواردی و بنا به شرایط و اقتضائات سیاسی – اجتماعی، گروه‌ها نیز می‌توانند همان نقشی را ایفا کنند که عاملان انسانی انجام می‌دهند. ناگفته نماند که در نظریه ساخت‌یابی، عاملیت خود را در جریانی از کنش انسانی نشان می‌دهد و نه انباشتی از کنش‌های فردی. به این معنی که تعامل کنش و زمینه‌های ساختاری‌شده در صورتی خلق یا بازساخت ساختار خواهد کرد که عامل‌های انسانی طی مدت‌زمانی چند در این بستر به کنشگری اقدام کرده باشند.

۱. عوامل جمعی و گروهی مؤثر در شکل گیری بسیج

۱. ۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نقش‌آفرینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روند شکل‌گیری بسیج در دو سطح ذهنی و عینی نمود یافت. سپاه پس از تأسیس، اولویت خود را جذب نیروهایی با ایمان به تعالیم اسلامی و پیام انقلاب قرار داده (فروغی جهرمی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۱۴–۱۱۵) و ضمن بهره‌گیری از فضای فرهنگی حاکم بر جامعه و موقعیت روحانیت به عنوان مبلغان دین و مذهب در کنار مقبولیت مسجد به عنوان مجمع نیروهای مذهبی (همان: ۲۹۷)، هسته‌های اوّلیه تشکیل بسیج را با آموزش نظامی و عقیدتی به جوانان داوطلب به عنوان «پاسدار ذخیره»، فراهم آورد.

فرمانده وقت سپاه اصفهان در رابطه با نقش سپاه در روند تدریجی تأسیس سپاه اینگونه می‌گوید: «ما با ارتش و مرحوم صیاد شیرازی و شهید بابایی هماهنگی داشتیم و به این نتیجه رسیدیم که بیاییم بسیج را راه بیاندازیم. مصاحبه‌ای در تلویزیون اصفهان داشتم و از جوانها و مردم خواستم که می‌خواهیم حرکت جدیدی را راه بیاندازیم و در قالب بسیج آموزش دهیم... آموزش یک هفته‌ای را برای مردم تدارک دیدیم.». (ابراهیمیان و نجفی، ۱۳۸۹: ۳۵) در واقع سپاه پاسداران که خود متشکل از روندی تدریجی در گستره تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی بود، از زنجیره مصائب امنیتی و چالش‌های نظامی برای تربیت نیروهایی جهت مقابله با جریان معارض و تبلیغ ارزش‌های انقلاب اسلامی بهره برد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱. ۲.. گروه‌های خودجوش انقلابی

پس از پیروزی انقلاب، افراد طرفدار انقلاب به ویژه جوانان به دنبال گسترش روزافزون جریان‌های موازی جهت ضربه زدن به خط اصیل انقلاب اسلامی، در مساجد و دیگر اماکن محلی اقدام به تبیین آموزه‌های انقلاب و عقاید اسلامی می‌کردند که با صدور فرمان امام مبنی بر تأسیس بسیج، این اقدامات گستره و جدیت بیشتری یافت. در همین راستا، محمدعلی رحمانی به عنوان یکی از فعالان و مؤثّران در روند شکل‌گیری بسیج می‌گوید:«عمده کار گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی، آموزش سلاح و تاکتیک بوده که محور فعالیت‌ها در مساجد، حسینیه‌هاو اماکن محلی بود، مرکز آموزش مشخصی وجود نداشت.... گروه‌های انقلابی بدون هماهنگی با یکدیگر و بدون ارتباط با سایر جریانات فعالیت می‌کردند.» (ابراهیمیان و نجفی، ۱۳۸۹: ۳۵)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲. عوامل فردی و نخبگانی مؤثر در شکل گیری بسیج

۲. ۱. امام خمینی (ره)

اگرچه اصرار امام خمینی بر تشکیل بسیج، در نگرش ایشان به نقش و جایگاه مردم در ایجاد، حفظ و توسعهٔ حکومت اسلامی ریشه دارد، امّا تحوّلات ماه‌های آخر پیروزی انقلاب و مهمتر از آن چالش‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی – اجتماعی و اقتصادی روزهای پس از انقلاب از یک‌سو و ناتوانی نهادهای انقلابی نوپا در جذب حداکثری مردم به خاطر ماهیت خاص آنها از سوی دیگر، امام را بر آن داشت تا از آمادگی نیروهای انقلابی و ذهنیت مقاومت‌بنیان مردم استفاده کرده و دستور به تأسیس بسیج دهند.

محمدعلی رحمانی در رابطه با اندیشه امام برای تأسیس بسیج اینگونه می‌گوید که: «در سال‌های بین ۵۱ یا ۵۲ که روند مبارزات جدیت بیشتری پیدا کرد، تعدادی از یاران امام به این فکر افتادند که مردم و جنبش‌های مردمی را سازمان دهند لذا دور هم جمع شدند و سرانجام نتیجه جلسه توسط شهید محمد منتظری به امام اطلاع داده شد که ایشان در پاسخ گفتند: (من اشتباهی را که آقای دکتر مصدق مرتکب شدند، به هیچ نحوی مرتکب نخواهم شد. آن‌ها به زاهدی و دوستان ایشان، به زاهدی تانک‌سوار اعتماد کردند و این خطا بود. به حول و قوّهٔ الهی برای حفظ نظام و سرزمین ملّت شریف ایران، بسیج را راه خواهم انداخت).» (خانی، ۱۳۹۲: ۳۱۰)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

افزون بر این، هنگامی که امام وارد ایران شدند، افراد متعدّدی برای ملاقات ایشان می‌آمدند که در یکی از این ملاقات‌ها، یکی از رؤسای انجمن حجتیه خطاب به امام بیان داشت که ما ۱۵ هزار جوان تربیت کردیم که برای ادارهٔ دولت آتی در خدمت شما خواهند بود. امام هم در پاسخ می‌گویند: «من نیازی به آدمهای مارک‌دار ندارم. همهٔ جوانان این کشور فرزندان و سربازان امام زمان هستند». پس از این دیدار، بروجردی«داماد امام» به ایشان می‌گوید که شاید نیروهای خوبی باشند. امّا امام دوباره اینگونه می‌فرمایند که: «من در اندیشهٔ بسیجم.» (رمضانیان و نجفی، ۱۳۸۹: ۱۷) بنابراین می‌توان به وضوح دید که امام از همان روزهای آغازین قیام به فکر تداوم انقلاب اسلامی و راه‌های نیل به آن بودند. که سرانجام به پیشنهاد تعدادی از نیروهای سپاه پاسداران در ۴ آذرماه مبنی بر تشکیل هسته‌های امنیت و مقاومت در مساجد (فروغی جهرمی، ۱۳۹۳: ۸۷۰)، طی مباحثی طولانی، بیان می‌دارند که: «جوان‌ها را یادشان بدهید، همه جا باید اینطور بشود که یک مملکتی بعد از چند سال که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار هم داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب‌پذیر نیست و الآن هم الحمدلله آسیب‌پذیر نیست.» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۲۳۸ – ۲۳۹).

۲. ۲. جواد منصوری

جواد منصوری پس از استعفای حسن لاهوتی از فرماندهی سپاه، زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان سرپرست کل سپاه، فرماندهی این نیرو را برعهده گرفت. اثرگذاری نقش منصوری در شکل‌گیری بسیج، دو بخش پیشینی و پسینی دارد. بخش پیشینی نقش او را می‌توان در راه‌اندازی راه‌اندازی هسته‌های تربیتی جوانان و عموم مردم برای مقابله فکری و عملی با ضد انقلاب و همینطور تبیین آرمان‌های آن بود. در این راستا، می‌گوید: «دوّم آذرماه ۱۳۵۸ به اتفاق شهید کلاهدوز و آقای داودی شمسی عازم دیدار با امام و گزارش بعضی مسائل در سپاه و اوضاع کردستان شدیم. در مسیر تهران به قم صحبت از تشکیل هسته‌های مقاومت و امنیت در مساجد کشور شد. پس از بحث قرار شد پیشنهاد تشکیل هسته‌های ۲۲ نفره نیروهای آموزش دیده در مساجد را ارائه دهیم. مهم‌ترین وظایف آنها حفظ امنیت منطقه اطراف مسجد، مقابله با تحریکات ضد انقلاب، ارتباط با مراکز سپاه و همکاری با مدارس برای آموزش نظامی و عقیدتی دانش‌آموزان باشد. در دیدار با امام، پس از طرح موضوعات مختلف، نوبت به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

پیشنهاد تشکیل نیروهای مقاومت در مساجد شد که ایشان با این طرح موافقت و تأیید کردند.»(منصوری، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

بنابراین نقش منصوری را می‌توان در آماده‌سازی ذهنی مردم و سازمان‌دهی آنها پیش از دستور امام و پس از آن با پیگیری تشکیل بسیج شاهد بود. او در این باره می‌گوید: «بلافاصله پس از سخنان امام، شورای فرماندهی سپاه تشکیل بسیج مستضعفین را در دستور کار قرار داد و با کمک تعدادی از افراد مخلص و با تجربه و با کمترین امکانات فعالیت را آغاز کردیم.» (همان، ۱۷۹).

۲. ۳. امیر مجد

امیر مجد اگرچه در روند پیش از فرمان امام مبنی بر تأسیس بسیج نقش چندانی نداشت لکن پس از صدور فرمان و تهیه طرحی از سوی شورای انقلاب مبنی بر راه‌اندازی بسیج، ستاد مشترک ارتش آن را در قالب «ستاد بسیج ملّی» تشکیل داد و امیر مجد ریاست این ستاد را بر عهده گرفت. او در این باره اظهار می‌دارد که:«ستاد بسیج ملی پس از صدور فرمان امام برای آماده کردن مردم جهت مقابله با آمریکا و به علاوه تشکیل ارتش بیست میلیونی به نحو ایده‌آل در درازمدت شروع به فعالیت می‌کند.» (خانی، ۱۳۹۲: ۳۲۶) از این رو، می‌توان مجد را اوّلین فرمانده تشکیلاتی دانست که پس از فراز و نشیب‌هایی چند، بسیج مستضعفان نامیده شد. در واقع او هسته‌های اولیه شکل‌گیری این تشکل را «هرچند ازنظر فکری با آنچه امام دنبال می‌کرد، همسو نبود» منسجم ساخت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

هـ. نتیجه‌گیری

جنبش‌های اعتراضی نسبت به ساختار و حکمرانان نظام‌های سیاسی در سیر ظهور تا حکومت یا حذف آنان، منظومه‌ای بینشی«نگرشی را دنبال می‌کنند که نه تنها تحوّلات گذشته، حال و آینده را در کالبد آن منظومه می‌فهمند که کنشگری رهبران جنبش پس از به ثمر نشستن حرکت، در همان چارچوب صورت می‌گیرد. انقلاب اسلامی که بر اندیشه اسلام و آموزه‌های شیعی ابتنا یافته و به پیروزی رسید، برای حفظ و تداوم خود، نیاز به تأسیس تشکیلاتی برای بالا بردن همروی قواعد دینی با کنشگری نیروهای انقلابی و در نتیجه نگهداشت، تثبیت و گسترش ارزش‌های انقلابی به زوایای حیات اجتماعی مردم داشت.

امام خمینی به عنوان رهبر اصلی حرکت ۱۵ ساله انقلاب اسلامی، سال‌ها قبل و به هنگام اطلاع از نشست تعدادی از نیروهای طرفدار جوشش انقلابی، در پاسخ شهید محمد منتظری مبنی بر اینکه تعدادی از افراد حامی جریان شکل‌گرفته به فکر زمان پیروزی و مدیریت پس از آن می‌باشند، می‌گویند: «من اشتباهی را که آقای دکتر مصدق مرتکب شدند، به هیچ نحوی مرتکب نخواهم شد. آن‌ها به زاهدی و دوستان ایشان، به زاهدی تانک‌سوار اعتماد کردند و این خطا بود. به حول و قوّه الهی برای حفظ نظام و سرزمین ملّت شریف ایران، بسیج را راه خواهم انداخت» یا در جایی دیگر هنگامی که وارد ایران شدند، به پیشنهاد یکی از مسئولان انجمن حجتیه درخصوص به کارگیری نیروهای آماده همفکر این انجمن در پیشبرد کارهای انقلاب، اینگونه واکنش نشان می‌دهند که: «در اندیشه بسیجم». این تفکر که ریشه در دیدگاه امام نسبت به نقش و جایگاه مردم در نظام اسلامی داشت، رفته رفته و با پیروزی انقلاب اسلامی، در کشاکش چالش‌های سیاسی- امنیتی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی که انقلاب با آن روبرو شد، مجال بروز و ظهور یافت.

افزایش توطئه‌هایی مثل طرح خودمختاری در مناطقی چون کردستان، خوزستان و ترکمن‌صحرا و اقدامات تروریستی و تبلیغاتی جریان‌های مارکسیستی در کشور، نیروهای انقلابی را بر آن داشت تا از قدرت و توان مردمی برای مبارزه با چنین جریان‌هایی بهره گیرند. از این رو، از ارزش‌های مقبول دینی- مذهبی مردم با محوریت مساجد و اماکن مقدسه بهره برده و ضمن نفی افکار و ایده‌های جریان‌های رقیب همچون حزب توده، فدائیان خلق، منافقین و جنبش‌های خلقی تجزیه‌طلب، به تبیین آموزه‌های اسلامی و ایدئولوژی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

انقلاب اسلامی می‌پرداختند. بدین ترتیب، رفته رفته جامعه صحنه تقابل دو گفتمان انقلابی و ضدانقلابی شد. در کنار جریان‌های داخلی، مداخلات نرم و سخت کشورهای بیگانه در امور داخلی کشور نیز رو به افزایش بود تا اینکه با تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان، این تقابل شدّت بیشتری یافت و تهدیدات امنیتی سطحی بین‌المللی پیدا کرد.

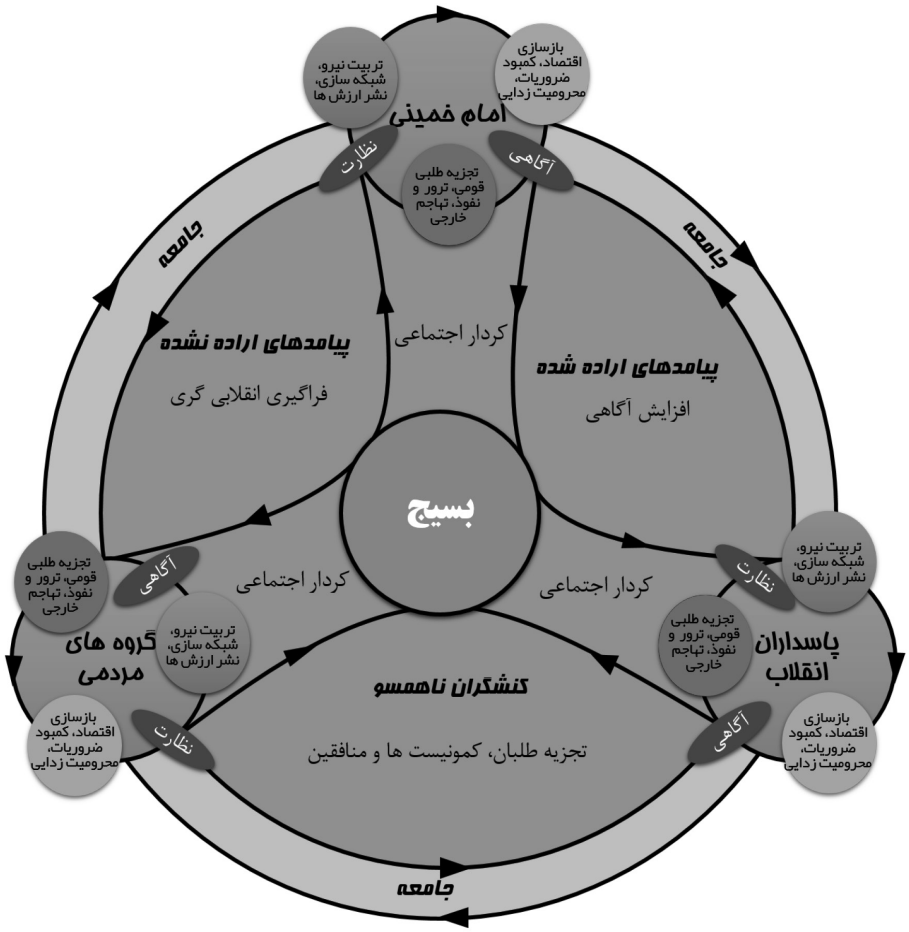
معضلات اقتصادی برجای مانده از دوران پهلوی که با پیروزی انقلاب به خاطر نابسامانی کشور در حوزه‌های مختلف کنترلی- نظارتی و فرار سرمایه‌داران از کشور افزون شده بود، موجب گسترش بیکاری، نداری و محرومیت شد که این محرومیت با تبلیغات سوء جریان‌های یادشده می‌رفت که به شکاف اجتماعی تبدیل شود. بنابراین رسیدگی به این مشکلات و حل آنها ضرورت ورود نیروهای انقلابی به عرصه‌های خدمت‌گذاری را بیش از پیش بدیهی ساخته بود. حال مسئله آنجا غامض می‌شد که نیروهای انقلابی تجربه‌ای در مدیریت کلان وخرد نداشتند و گروه‌های رقیب- مخالف و معارض در دو سطح داخلی و خارجی- نفوذ بیشتری پیدا می‌کردند. لذا شرایط در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی به گونه‌ای پیش می‌رفت که حفظ، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی به الگویی ذهنی و عملی برای کنشگری نیروهای انقلابی تبدیل شد.

فراهم آمدن زمینه‌های ذهنی و شکل‌گیری حلقه‌های خودجوش انقلابی در راستای سه گانهٔ مذکور و از همه مهمتر تربیت نیروهای انقلابی در جدال با دو گانه مقاومت و سازش یا انقلابی و ضدانقلاب، امام خمینی را بر آن داشت تا اندیشهٔ دیرین خود مبنی بر مشارکت، نظارت و کنترل همه‌گانی مردم در جهت حراست از آرمان‌های انقلاب و تحقّق اهداف آن را عملی سازد. بنابراین آنگاه که آمادگی ساختاری و فردی انقلابیون برای تأسیس نهادی مردم‌نهاد را دید، دستور به تأسیس بسیج داد که سرانجام سه گروه دولت موقّت، جوانان خودجوش انقلابی و سپاه هر کدام برای اجرایی‌سازی فرمان امام فعال شدند که سرانجام هر سه در تشکیلات دولت ادغام و نام آن از بسیج ملی به بسیج مستضعفان تغییر یافت.

در مدل زیر، زمینه‌های ساختاری و عوامل کارگزاری مؤثّر در شکل‌گیری بسیج مستضعفان ترسیم شده است:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]



مدل شماره ۲

منبع: محقّقان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع

-قرآن کریم

-امام خمینی (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

-باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۱)، *قوم بلوچ*، تهران: امیرکبیر

-باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۱)، *قوم عرب*، تهران: امیرکبیر

-براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۹۵)، *مدیریت بحران‌های سیاسی در فرآیند تثبیت انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

-بیژنی، علی وعزّتی، عزّت‌الله (۱۳۸۷)، کالبدشکافی جنبش‌ها و گروه‌های قومی در استان خوزستان، تهران: *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۷

-بی‌تا (۱۳۷۴)، *اسناد انقلاب اسلامی*، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

-جسیم، اسماعیل (۱۳۹۶)، *انقلاب اسلامی ایران: انقلابی استثنایی در جهان*، تهران: انتشارات علمی

-جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲)، *کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

-حاتمی، عباس، مسعودنیا، حسین، نجفی، داوود (۱۳۹۵)، تأثیر عوامل سیاسی بر مناسبات اقتصادی ایران در دهه اول انقلاب، *دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری*، شماره بیست و دوّم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

-حسنوف، جلیل (۱۳۸۴)، *فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی*، ترجمه منصور همامی، تهران: نشر نی

-حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۷)، *چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

-خانی، مهدی (۱۳۹۲)، *خاکی از جنس آسمان: مروری بر شکل‌گیری و توسعهٔ بسیج*، تهران: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه

-خلیلی، اکبر (۱۳۸۲)، *گام به گام با انقلاب*، تهران: سروش.

-رنجبر، مقصود و صیاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، ستیز دولت و بنیادگرایی اسلام و تأثیر آن بر توسعه در خاورمیانه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۹۲.

-صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

-صیاد، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۷)، تأثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷.

-طالقانی، مجتبی (۱۳۵۵)، *نامه به پدر*، نشریه مجاهد، ش ۶، تیرماه ۱۳۵۵

-فروغی جهرمی، محمدقاسم (۱۳۹۳)، *سپاه در گذر انقلاب*، تهران: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه

-فوزی، یحیی (۱۳۸۷)، *تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: عروج

-قاسمیان، علی، سالاروند، امیر (۱۳۹۶)، *کارنامه سیاه: گذری بر حوادث تروریستی دهه ۶۰*، تهران: کلام ماندگار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

-قلی‌پور، آرین، (۱۳۸۴)، *نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان‌ها)*، تهران: سمت
-کردی، علی (۱۳۸۷)، *گروه فرقان*، تهران: مرکز اسناد
-کیانی، سورنا (۱۳۸۶)، *بر بلندای سرزمینم*، تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدّس
-گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷)، *ساخت جامعه*، ترجمه اکبر احمدی، تهران: نشر علم
-گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۴)، *مسائل محوری در نظریه اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*، ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر سعاد.
-محسنی، علی، جاودانی مقدم، مهدی، حاجی، محسن (۱۳۹۷)، تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷.
-مسالی، حسن (۱۳۷۹)، *سیر تحوّل جنبش چپ ایران و عوامل بحران آن*، بی‌جا، بی‌نا
-مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، *تحوّلات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی
-موثّقی، سیداحمد (۱۳۸۵)، اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۵
-منصوری، جواد (۱۳۹۳)، *تاریخ شفاهی تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
-نادری، محمود (۱۳۸۷)، *چریک‌های فدایی خلق*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
-نصرالله‌زاده، محمدجواد و سرایی، حسن، (۱۳۸۷)، تمایزپذیری ساختی و کارکردی سازمان‌های نظامی از نهاد سیاسی، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷
-هاشمی، سیدعلی، رنجبر، مهدی (۱۳۸۷)، *تاریخ شفاهی کمیته‌های انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
-هزاوه‌ای، سیدمرتضی، باوریان، فریده (۱۳۹۷)، بازشناسی مهمترین اصول فکری-ایدئولوژیکی و بسترهای سیاسی-اجتماعی پیدایش جریان روشنفکری دینی در تاریخ معاصر ایران، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷.
-واثقی، محمّدحسین (۱۳۸۷)، *مصلح بیدار*، تهران: انتشارات صدرا
ونس، سایروس و برژینسکی، ژبیگنیو (۱۳۶۲)، *توطئه در ایران: دو برداشت از یک متن*، ترجمه محمود مشرقی تهران: هفته

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۱۰
شجاعی، جبّار؛ غفّاری هشجین، زاهد؛ کشاورز شکری، عبّاس (۱۳۹۸)، «زمینه‌های ساختاری و عوامل کارگزاری شکل‌گیری نهاد بسیج مستضعفان»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۲۵۴-۲۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]